

شهر خلاق

باب نخست: مفهوم شهر خلاق

پیدایش ایده شهر خلاق به اواخر دهه ۱۹۸۰ برمی گردد. پیدایش این مفهوم در واقع ناشی از تلاش مدیران شهری برای ساختاردهی مجدد شهرها در پاسخ به تحولات جهانی بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ که این مفهوم رواج بیشتری پیدا کرد، منطق اصلی این بود که همواره پتانسیل هر منطقه بیش از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می رسد، ولو این که شهرهای معدودی مانند لندن، توکیو، نیویورک، یا آمستردام واقعا خلاق هستند. از این منظر باید شرایطی برای افراد مهیا شود که بتوانند برای شکوفایی فرصت های مختلفی از کمک به بی خانمان ها گرفته تا خلق ثروت بیندیشند، برنامه ریزی کنند و دست به اقدام بزنند.

جان کلام این که مردم عادی نیز می توانند معجزه بیافرینند، و اگر هر کس تنها ۵ درصد رویا پردازتر از امروز بود، دنیا وضع دیگری داشت. در شهر خلاق تنها هنرمندان نیستند که در اقتصاد خلاق دست دارند، هر کس که به سلاح نگاه و تفکر مخترعانه مجهز است، می تواند چشمه جوشان خلاقیت باشند از یک تاجر گرفته تا مهندس، دانشمند یا رفتگر.

جالب اینکه گروه های ترکیبی با نگرش های متفاوت، ناب ترین ایده ها را تولید می کنند. این یعنی شهر خلاق سراسر رویا پرداز است. شهر خلاق دارای بوروکراسی خلاق، افراد خلاق، مدارس خلاق، سازمان های خلاق، دانشگاه های

خلاق و غیره است. با ترویج خلاقیت و ایجاد بسترهای قانونی مناسب برای استفاده از قوه تخیل در حوزه ها و سطوح مختلف، بانکی از ایده ها مشتمل بر احتمالات و راه حل های بالقوه برای مسایل شهری ایجاد می شود.

شهر خلاق به زیرساخت هایی فراتر از زیرساخت های سخت افزاری مانند ساختمان، خیابان یا فاضلاب شهری دارد.

زیرساخت های خلاق آمیزه ای از زیرساخت های سخت و نرم است. یکی از ارکان زیرساخت نرم، زیرساخت های فکری است: رویکرد شهر به فرصت ها و مسأله ها، و نیز فضا و ابزار توانمندسازی که آنها را از طریق برخی مشوق ها و ساختارهای تنظیمی تقویت می کند. همچنین زیرساخت نرم نیروی کار بسیار ماهر و انعطاف پذیر، اندیشمندان، پدیدآورندگان و مجریان پویا را شامل می شود. زیرساخت نرم باید بتواند برای افراد مستقل فضای ظهور و بروز فراهم نماید، ارتباط های درونی و بیرونی عمیقی ایجاد کند، و روح فرهنگ کارآفرینی را در کالبد جامعه بدمد. خلاق بودن یک فرد یا سازمان چندان دشوار به نظر نمی رسد، اما خلاق بودن شهر با توجه به فرهنگ ها و گرایش های مختلفی که در آن وجود دارد، داستان به کلی متفاوت است.

خلاق بودن شهر معمولاً مستلزم ریسک پذیری، رهبری، حس نوعی حرکت و پویایی در برابر سکون، مصمم بودن در عین پرهیز از



جبرگرایی، و از نظر استراتژیک راسخ و از نظر تاکتیکی منعطف بودن است.

این‌ها مستلزم تغییر نگرش، درک، خواست‌ها و اداره، و همچنین درکی از ظرفیت شبکه‌ای شهر و عمق و غنای فرهنگی آن است. این تحول تأثیر شگرفی بر فرهنگ سازمانی دارد و مستلزم هزاران تغییر در چیدمان ذهنی، ایجاد شرایط لازم برای تبدیل شدن افراد به عاملان تغییر به جای قربانیان آن، و استقبال از تحول به‌عنوان یک تجربه زنده و مداوم، نه یک رویداد ایستا و مقطعی است.

خلاقیت شهر مستلزم بوروکراسی خلاق است (Landry, 2000) به نقل از کیقبادی، (۱۳۸۷: ۴۲).

نظریه شهر خلاق در قالب برنامه‌ریزی فرهنگی برای شهرها تدوین شده است؛ به این معنا که خلاقیت جایگاه ویژه‌ای در پیشبرد فرهنگ درون شهرها و در نتیجه بسط و گسترش توسعه شهری پایدار دارد.

پس از مطرح شدن سلسله بحث‌های شهر خلاق در دهه ۱۹۰۰، نظریه شهر خلاق در سال ۲۰۰۲ و با انتشار کتاب ریچارد فلوریدا ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. براساس این نظریه شهروندان شهر خلاق باید توانایی ابراز نظرات و پیشنهاد‌های خود را به سهولت داشته و فضای شهر در بر گیرنده استعداد‌های خلاق در زمینه‌های تخصصی گوناگون باشد.

چنین شهروندانی با تشکیل اجتماعاتی خودجوش به تبادل نظر و ارائه ایده می‌پردازند و از این طریق همه ابعاد وجودی متابولیسیم شهری را در جهت بهبود، راهبری می‌کنند.

اقتصاد شهر خلاق براساس نوآوری‌ها و ایده‌های شهروندان خلاق به سطحی مطلوب می‌رسد و با پویایی که در همه ابعاد آن به

وجود می‌آید به سمت پایداری سوق می‌یابد. شهر خلاق فضایی است که در آن فعالیت‌های نو رخ می‌دهد. شهر خلاق سده بیست و یک به معنای شهروندان خلاق است. در این شهر مسئولان شهری خدمات همگانی و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی را به نوین‌ترین، کاراترین، بهره‌ورترین و زیباترین روش ارائه می‌دهند. شهر خلاق نه تنها فضایی است که خلاقیت در آن رشد می‌کند، بلکه کل سازماندهی و مدیریت آن به‌طور خلاقانه طرح ریزی می‌گردد. شهری که بتواند به شکلی خلاقانه استعداد همکاری جمعی را در راستای ارائه خدمات بیشتر به کار گیرد، موفق‌ترین شهر در این سده خواهد بود.

به سخن بهتر، شهر خلاق مکانی برای رشد خلاقیت‌ها در شهر، جایگاهی برای خلاقیت‌های هنری، نوآوری علمی و فناورانه، صدای فرهنگ‌های رو به رشد، شهری با قابلیت جامه عمل پوشاندن به همه پتانسیل‌های خلاق خود، پیش‌تاز در فعالیت‌های فرهنگی و هنری و شهری پویا از لحاظ یادگیری‌های فرهنگی است. در تعریفی دیگر شهر خلاق شهری است که شهروندان آن براساس خلاقیت و نوآوری به همراه مدیران شهری زندگی می‌کنند، باعث حرکت و جنبش همسایگان خود شده و در فرآیند نمود خلاقیت، آنها را نیز با خود همراه می‌کنند. در واقع این همسایگان پایه‌های تشکیل شهر خلاق هستند (میرزایی، ۱۳۹۱: ۳۲).

شهر خلاق شهری است که به دلیل اهمیت زیبایی‌شناختی و توانایی آن برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات مورد احترام است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت در تمام شکل‌های آن تشویق می‌شود.



مردم می‌توانند در زندگی روزمره خود از خلاقیت لذت ببرند.

هنر به‌عنوان یکی از ضرورت‌های آموزشی مطرح است و خلاقیت به‌عنوان یک مهارت ارزشمند در عصر اطلاعات به رسمیت شناخته می‌شود و هنر نه تنها به دلیل نقش مهم‌اش در اقتصاد بلکه به دلیل منافع معنوی، فکری و اجتماعی خود با ارزش محسوب می‌شود. گرچه در شهر خلاق هنرمندان و فعالان نقش مهمی در اقتصاد خلاق ایفا می‌کنند، اما تنها منشاء خلاقیت محسوب نمی‌شوند. خلاقیت می‌تواند از هر منبع و از سوی هر شخصی از جمله مددکار، تاجر، دانشمند و یا کارمند دولت باشد. این دیدگاه از نهادینه شدن فرهنگ خلاقیت در چگونگی عملکرد دینفعان شهری دفاع می‌کند. به این ترتیب با تشویق قانونی کردن استفاده از خلاقیت و تصور در عرصه‌های عمومی، خصوصی و اجتماع محلی، بانک ایده‌های ممکن و راه‌حل‌های بالقوه برای هر مشکل شهری گسترده‌تر و پر بارتر خواهد شد (داکسبری، ۱۳۸۹: ۷۶).

استراتژی شهر خلاق ایفای یک نقش رهبری در بین تمام اجزای سیستم شهری است، و طوری جهت‌گیری شده تا در جهت پیدا کردن روش‌های کارآمد برای ایجاد یک محیط همکاری، تعامل و دعوت از شهروندان برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی باشد.

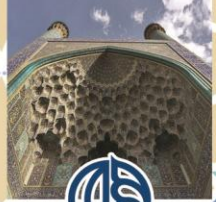
همکاری و تعامل در درون ارکان سیستم مدیریت شهری برای پرورش نوآوری در تمام اجزای سیاست‌ها، برنامه‌ها و خدمات است؛ به طوری که ایده‌های فنی، فرهنگی و هنری اجازه رشد و نمو دارند و با دیدگاه‌های بسته مورد هجوم قرار نمی‌گیرند.

افزون بر این همیشه ظرفیت فرهنگی و خلاقانه هر شهر بسیار بیشتر از آنچه است که در ابتدا تصور می‌کردیم. در واقع شهروندان عادی در صورتی که فرصت‌های کافی در اختیار داشته باشند، می‌توانند کارهای فوق‌العاده‌ای انجام دهند (میرزایی، ۱۳۹۱).

ایده اقتصاد خلاق به‌طور ویژه‌ای در اقتصاد شهرها کاربرد یافته، چنان که به پیدایش مفهوم طبقه خلاق منجر شده است. شهر خلاق یک مجتمع شهری است که فعالیت‌های فرهنگی بخش‌های مختلف آن جزء جدایی‌ناپذیر عملکرد اقتصادی و اجتماعی شهر می‌باشند.

چنین شهرهایی براساس یک زیرساخت فرهنگی و اجتماعی قوی بنا می‌شوند، و تا حدودی تمرکز بسیار بالایی از شغل‌های خلاق دارند. این‌گونه شهرها به خاطر امکانات فرهنگی ممتازشان برای سرمایه‌گذاری مکان‌های جذابی به شمار می‌آیند. چارلز لندری در کتاب ارزشمندش در مورد شهر خلاق بر این باور است که شهرها یک منبع بسیار مهم به نام مردمشان دارند.

خلاقیت به‌عنوان یک اصل کلید پویایی شهری جایگزین مکان، منابع طبیعی و دسترسی به بازار شده است. لندری خاطر نشان ساخته است. "امروزه بسیاری از شهرها با دوره‌های گذاری مواجه شده‌اند که عمدتاً ناشی از نیروی جهانی‌شدن است. این دوره گذار از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت می‌باشد. شهرها در مناطقی نظیر آسیا در حال رشد هستند در حالی که در سایر مناطق نظیر اروپا، اقتصادهای قدیمی در حال نابود شدن هستند و ارزش افزوده شهرها به ندرت از طریق صنایع تولیدی و صنعتی ایجاد می‌شود، بلکه بیشتر از طریق سرمایه‌های معنوی و فکری ایجاد می‌گردد که در محصولات، فرآیندها و خدمات نمود پیدا می‌کند."



مفهوم شهر خلاق را از چهار منظر می توان تعریف کرد:

نخست، شهر خلاق از نظر زیرساخت های هنری و فرهنگی: تمرکز اغلب راهبردها و برنامه های شهرهای یادشده برای دستیابی به شهرهای خلاق تقویت زیرساخت های فرهنگی و هنری مانند حمایت از هنر و هنرمندان و زیرساخت های نهادی مورد نیاز است.

دوم، شهرهای خلاق از نظر اقتصاد خلاق:

تقویت صنایع خلاق یا اقتصاد خلاق روز به روز بیشتر مورد تایید مدیران شهرها قرار می گیرد؛ چرا که سکویی برای توسعه اقتصادی و حتی کل شهر به شمار می آید. در کانون این نگرش سه عنصر کلیدی مشتمل بر میراث فرهنگی و هنری، صنایع تفریحی و رسانه و ارائه خدمات خلاق به کسب و کارها می باشد.

این خدمات مهمترین عنصر اقتصاد خلاق است، چرا که می تواند هر خدمت یا محصولی را ارزشمند نماید. بخصوص طراحی، تبلیغات و تفریح پیشران های نوآوری در پیکره اقتصاد به شمار می روند و "اقتصاد تجربه"^۲ را شکل می دهند.

سوم شهر خلاق از منظر حضور طبقه

خلاق: ریچارد فلوریدا که مفهوم طبقه خلاق را مطرح نموده، نگاه خود را به نقش خلاق افراد در عصر خلاقیت متمرکز نموده است. وی معتقد است دیگر مانند گذشته بنیان های اقتصاد جوامع بر شرکت ها و موسسات بزرگ استوار نیست، بلکه نقش افراد در اقتصاد پررنگ می شود. به باور فلوریدا، امروزه شهرها افزون بر فضای مناسب برای کسب و کارها به فضای

شهرهای خلاق به شیوه های مختلف از پتانسیل های خلاق خود استفاده می کنند. برخی شهرها از بعضی عملکردها به عنوان گره های ایجاد تجربه های فرهنگی برای ساکنان و بازدیدکنندگان از طریق آرایه دارایی های میراث فرهنگی شان یا از راه فعالیت های فرهنگی در هنرهای نمایشی و بصری استفاده می نمایند. برخی دیگر نظیر بیروت، ادینبورگ و سالزبورگ^۱ از برگزاری جشنواره های استفاده می کنند که به کل شهر هویت می بخشد.

برخی نیز به دنبال صنایع فرهنگی و رسانه ای گسترده تر هستند تا شغل و درآمد ایجاد نموده و به عنوان مراکزی برای رشد منطقه ای و شهری عمل می کنند. در موارد دیگر، یک نقش فراگیرتر برای فرهنگ به خاطر ظرفیت های هنری و فرهنگی در ارتقاء سرزندگی، انسجام و یکپارچگی اجتماعی و هویت فرهنگی در شهر خلاق قایل می شوند.

کمک بخش خلاق به سرزندگی اقتصادی شهرها را می توان بر حسب کمک مستقیم این بخش در خروجی ها، ارزش افزوده، درآمد، اشتغال و اثرات مستقیم و غیر مستقیم آن اندازه گرفت. به عنوان مثال با هزینه هایی که توسط گردشگران برای لذت بردن از جاذبه های فرهنگی یک شهر خرج می شود.

افزون بر این شهرهایی که زندگی فرهنگی فعالی دارند، می توانند سرمایه گذاران مربوط به سایر صنایع را به سمت خود جذب کنند؛ چرا که سرمایه گذاران به دنبال سرمایه گذاری در مراکزی هستند که محیطی جذاب، لذت بخش و برانگیزنده برای کارمندان اش فراهم نماید (Creative Economy Report, ۲۰۱۰).

^۲ Experience economy

^۱ Bayreuth, Edinburgh or Salzburg



محکوم به فنا خواهد بود (کی قبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰).
جدول شماره ۳-۱: تعداد شاغلان فرهنگی در چند شهر خلاق

شهر	سال	جمعیت شهر (۱۰۰۰ نفر)	نسبت جمعیت شهر به کشور	تعداد شاغلان فرهنگی شهر (۱۰۰۰ نفر)	نسبت شاغلان فرهنگی به کل شاغلان شهر (درصد)
لندن	۲۰۰۲	۷۳۷۱	۱۲/۴	۵۲۵	۲۳/۸
مونترال	۲۰۰۳	۲۳۷۱	۷/۴	۹۸	۱۶/۴
نیویورک	۲۰۰۲	۸۱۰۷	۲/۸	۳۰۹	۸/۹
پاریس	۲۰۰۳	۱۱۱۳۰	۱۸/۵	۱۱۳	۴۵/۴

Source: John C. Gordon and Helen Beilby-Orrin, *International Measurement of the Economic and Social Importance of Culture*, Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), ۲۰۰۷.

یونسکو شبکه شهرهای خلاق را در اکتبر ۲۰۰۴ در یک‌صد و هفتادمین مجمع عمومی فعال نمود؛ هدف آن کمک به بازیابی پتانسیل‌های اجتماعی-اقتصادی و خلاق صنایع فرهنگی که به وسیله هنرمندان محلی برپا می‌شود، بود تا بتواند یونسکو را در هدف تنوع فرهنگی‌اش موفق بدارد. این شبکه شهری متشکل از هفت زمینه بوده و هر شهر با توجه به انرژی و ظرفیتی که به صنعت خلاقانه خاص اختصاص می‌دهد، اولویت خود را انتخاب می‌کند. این هفت زمینه اولویت‌های فعالیتی شهرهای خلاق را تشکیل می‌دهند. در ادامه و شماره‌های بعد این گاهنامه سایر موارد مرتبط با شهر خلاق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

منبع: مشکینی، ابوالفضل و حاتمی نژاد، حسین و مهدنژاد، حافظ و پرهیز، فریاد، (۱۳۹۳)، *شهر خلاق الگویی برای توسعه دانش بنیان در حوزه مدیریت شهری*، چاپ اول، آراد کتاب، تهران.

مناسب برای افراد نیز نیاز دارند. فلوریدا در پژوهش‌های خود شاخص‌هایی برای سنجش جذابیت شهر جهت جذب و سکونت افراد خلاق تعریف نموده است.

بدیهی است جذب افراد خود به خود جذب شرکت‌ها را در پی خواهد داشت. هنرمندان هسته کانونی شهر خلاق را تشکیل می‌دهند و مهم‌تر از آن، دانشمندان در کنارشان قرار می‌گیرند. با این حساب تعریف سوم از شهر خلاق گسترده‌تر از دو تعریف پیشین است. براساس این تعریف شهرهای خلاق برای جلب، نگهداری و رشد شهروندان خلاق با یکدیگر رقابت می‌کنند.

شهرهای که در اقتصاد نوین موفق شمرده می‌شوند، متنوع‌ترین و منعطف‌ترین و هنری‌ترین شهرهای دنیا هستند. شهرهایی که در فناوری برتر سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما به خلق آمیزه‌ای از تجربه‌های فرهنگی توجه ندارند، در بلندمدت از رقیبان خود عقب می‌مانند.

چهارم شهر خلاق از نظر ترویج فرهنگ

خلاقیت: سه تعریفی که در بالا به آنها اشاره شد، به نوبه خود ارزشمند هستند اما نمی‌توانند آن طور که باید و شاید بار معنایی شهر خلاق را منتقل کنند. شهر خلاق چیزی فراتر از اقتصاد خلاق یا مردمان خلاق می‌باشد. مفهوم شهر خلاق، شهر را نظام یکپارچه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای مختلف و ملغمه‌ای از فرهنگ‌ها در بخش دولتی و خصوصی می‌داند. از این منظر در عصر تغییرات سریع و بنیادین، همه نهادهای حاضر در یک شهر باید مخترعانه تر رفتار نمایند و برای غلبه بر چالش‌ها متحد شوند. در غیر این صورت، شهر